



سازندگانِ حجت ان ایرانی-اسلامی

۶

..... اریک اور صربی
.....

عزلی

مجدد اسلام

احسان مصحفی

اشادک

یادداشت دبیر مجموعه

هدف مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی آشنا ساختن افراد غیر متخصص و علاقه مند به پژوهش های مستند و دقیق درباره تاریخ و تمدن ایران و اسلام است.

مجموعه حاضر در اصل برگرفته از مجموعه سازندگان جهان اسلام به سرپرستی استاد فقید خانم پاتریشیا کرون است. بعد از درگذشت ایشان زاینه اشمیتکه و خالد الرهیب سرپرستی مجموعه را برعهده گرفتند. ما شخصیت های مرتبط با فرهنگ ایرانی را انتخاب کردیم و دست به کار ترجمه شدیم. ممکن است اثری در این مجموعه به فردی غیرایرانی اختصاص داده شده باشد، ولی آن فرد به دلایل مختلف و درجوه گوناگون در تاریخ و فرهنگ ایرانی مؤثر بوده است. لذا بی هیچ جانبداری و تعصب و تنها با تأکید بر عوامل تاریخی و نیز صحت در روش تحقیق مجموعه آثار منتشر شده را انتخاب کرده ایم. درست است که این مجموعه به دست متخصص و صاحب نظر در هر موضوع فراهم آمده ولی - همان طور که ملاحظه خواهید کرد - علاوه بر پژوهشگران، علاقه مندان و غیر متخصصان هم از آن بهره مند می شوند. روش درست و کاویدن منابع و اسناد از جمله ویژگی های کتاب های مجموعه سازندگان جهان ایرانی - اسلامی است. بر خوانندگان هشیار پوشیده نیست که با شناخت و درک درست از گذشته و با آگاهی و تأمل در روزگار امروزی می توان افق های درخشانی را پیش روی تریسیم کرد. امید است مجموعه حاضر

هم اطلاعات و دانش خوانندگان علاقه‌مند را بیفزاید و هم دانشجویان را درسی در روش تحقیق باشد، و همچنین صاحب نظران را با آثار جدید پژوهشگران غیرایرانی هرچه بیشتر آشنا سازد.

مرتضی هاشمی پور

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	نام‌ها و اصطلاح‌ها.....
۱۵	سال‌شمار.....
۱۷	مقدمه.....
۱۹	سلجوقیان.....
۲۳	مذاهب‌های فقهی.....
۲۳	شافعی و مذهب او.....
۲۵	مذهب حنبلی.....
۲۶	مذهب حنفی.....
۲۷	مذهب مالکی.....
۲۷	مذهب کلامی اسلامی اشعریه.....
۲۸	مفهوم کلام.....
۲۹	عنصر معتزله.....
۳۰	اشعری و سه برادر.....
۳۲	فلسفه.....
۳۳	اسماعیلیان.....
۳۴	تصوف.....

بخش نخست: بالا گرفتن آوازه	۳۷
فرزندی از خراسان	۳۷
سیر زندگی غزالی	۴۲
تحصیلات اولیه: استادان صوفی و متکلمان	۴۴
جورنی	۴۶
حمایت صاحبان قدرت	۴۹
غزالی در دربار	۵۰
وسوسه شهرت	۵۳
بخش دوم: دل بستگی به فقه	
سهم غزالی در فقه	۵۶
نمونه‌ای از «قیاس»	۵۸
سستی علما	۶۰
شافعی: سرمشقی محبوب	۶۲
وفاداری به فقه	۶۳
بخش سوم: علمی دوبله: غزالی و کلام	
کلام علیه فلسفه	۶۹
بر ضد «مذهب جاهلان»	۷۰
غزالی؛ یک متکلم	۷۱
کلام علیه فلسفه در اسلام	۷۲
الاقتصاد فی الاعتقاد؛ راهنمای عقیدتی	۷۵
سبک استدلال غزالی در «میان‌رویی منصفانه»	۷۷
سایه ابن سینا	۸۰
لحن بیان غزالی	۸۱
دیدگاه غزالی در باب اسماء الله	۸۲
تناقض در باب اسم‌ها	۸۳
عجز از درک به مثابه ادراک	۸۵
راهنمایی برای تامل	۸۷
رونگرد غزالی به «کلام»	۸۹

بخش چهارم: زهر فلسفه و پادزهر آن	۹۱
آیا غزالی فلسفه را در اسلام ویران کرد؟	۹۱
جذابیت نظام مندی	۹۴
نمایاندن فلسفه: مقاصد الفلاسفه	۹۴
علم نظری و عملی	۹۷
مفهوم وجود	۹۸
وجود واجب و ممکن	۹۹
آغاز حمله: تهافت الفلاسفه	۱۰۲
فیلسوفان به مثابه مقلدان محض	۱۰۳
عقیده کفرآمیز	۱۰۵
علیت در برابر سنت	۱۰۶
انکار علیت	۱۰۹
استدلال نقض و طرح یک کاریکاتور	۱۱۲
راه حلی شکاکانه	۱۱۵
بخش پنجم: بحران و بازیابی قوا	
انقلاب درونی سال ۴۸۸ق/۱۰۹۵م	۱۱۹
بیماری و سلامتی	۱۲۳
المنتقد من الضلال (رهایی‌یافته از گمراهی)	۱۲۵
دو طینین از یک حکایت	۱۲۶
شکاکیت و غزالی: بحران نخست او	۱۲۸
اهمیت رؤیا	۱۳۱
چهار طریق	۱۳۴
غزالی و «باطنی»	۱۳۴
ذوق ناگفتنی حقیقت	۱۴۰
قطع تعلق کامل و خروج از بغداد	۱۴۳
بغداد؛ «آشیان ظالمان»	۱۴۵
نقش احمد غزالی	۱۴۷

بخش ششم: احیای اسلام

ویژگی کتاب احیاء علوم.....	۱۴۹
تغییر در جاه طلبی غزالی.....	۱۵۱
طراحی احیاء علوم.....	۱۵۲
احیاء علوم به مثابه «نمایشنامه».....	۱۵۴
محتوای احیاء علوم.....	۱۵۶
تصوف غزالی.....	۱۵۹
رمزگشایی جهان.....	۱۶۱
بینایی در مقابل بینش.....	۱۶۲
آفرینش به مثابه متن.....	۱۶۴
دشمنی نفس.....	۱۶۶
دل آدمی.....	۱۶۸
ابن الوقت.....	۱۷۱
توکل (اطمینان به خدا).....	۱۷۳
عدل الهی در نظر غزالی.....	۱۷۵
محبت خدا.....	۱۷۷
نتیجه: علم در عمل	
بارگشت به تدریس.....	۱۸۶
مرگ و حیات او پس از مرگ.....	۱۸۸
کتابنامه.....	۱۹۱
نمایه.....	۱۹۷

پیشگفتار

هدف من در این کتاب بیان نکات اصلی زندگی و اندیشه این نابغه مذهبی است که فراتر از حوزه تخصصان چندان شناخته شده نیست. وسعت، ظرافت و نفوذ آثار غزالی، می‌سزد تا او را در شمار شخصیت‌های بزرگ تاریخ اندیشه، در کنار بزرگانی همچون آگوستین و موسی بن میمون، پاسکال و کی‌یرگارد جای داد. این کتاب برای خوانندگانی تنظیم شده است که شناخت پیشینی از غزالی یا حتی تاریخ اندیشه اسلامی ندارند. این بدان معناست که من مکلف بودم بسیاری از نکته‌های دشوار آن را خلاصه و ساده‌سازی کنم، هرچند امیدوارم در ساده‌سازی آنها چندان افراط نکرده باشم.

من به آثار غزالی با عناوین اصلی آنها به زبان عربی ارجاع داده‌ام؛ این نام‌ها در صفحه اختصارات فهرست شده‌اند. در ارجاع به شاهکار غزالی، احیاء علوم الدین، گاهی از عنوان ترجمه شده آن به زبان انگلیسی استفاده کرده و گاهی فقط به ذکر احیاء بسنده کرده‌ام. کوشیده‌ام تا در حد امکان به ترجمه‌های انگلیسی موجود (که گاهی آنها را اصلاح کرده‌ام) ارجاع دهم؛ ترجمه‌هایی که تخصیصی ندارند از خود من هستند. از آنجا که بسیاری از اصطلاحات و نام‌های عربی به‌کاررفته برای خوانندگان غیر متخصص ناآشنا هستند، شرح مختصری از شخصیت‌های سیاسی و مکاتب فکری را در بخش مقدمه آورده‌ام.

در اینجا می‌خواهم از پروفیسور پاتریشیا کرون به خاطر دعوت از من برای سهم

شدن در این جلد از این مجموعه قدردانی کنم. یکی از خوانندگان ناشناس انتشارات وان ولد چندین نقد مطرح ساخت که من از آنها بهره گرفتم، به این جهت از او نیز تشکر می‌کنم. سرانجام از مایک هرپلی^۲ از انتشارات وان ولد که ویراستاری شکلیا و باری‌رسان بود، سپاس گزارم.

نام‌ها و اصطلاح‌ها

آل‌بویه: سلسله حکومتی شیعه مذهب که از ۳۲۰-۳۳۰ ق/۴۵۴ تا ۹۳۲ م تا ۱۰۶۲ م قدرت را در دست داشتند و توسط سلجوقیان برافزادند.

اسماعیلیه: مذهبی شیعی که پس از سال ۱۴۵ ق/۷۶۲ م از جریان اصلی شیعه انشعاب یافت و تنها هفت امام را تصدیق کرده، از این رو به هفت امامی مشهور شدند.

اشعریه: مذهب کلامی اهل سنت که اشعری (درگذشت: ۳۲۴ ق/۹۳۶ م) بنا نهاد. اصول فقه: حقوق نظری، «بنیان‌های فقه».

امام: پیشنما؛ در اعتقادات اهل تشیع راهنمای جامعه است که از سوی خداوند تعیین شده و مصون از خطا و گناه است.

تقلید: باور مبتنی بر حجیت در مقابل استدلال مستقل.

حدیث: گفتار و کردار روایت شده از حضرت محمد ﷺ.

حنبلیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های احمد بن حنبل است.

حنفیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های ابوحنیفه است.

ذوق: «چشیدن»، اصطلاحی فنی در حوزه تصوف برای تجربه‌های عرفانی بدون واسطه.

سلجوقیان: سلسله ترک و اهل سنت که از ۴۲۹-۵۹۰ ق/۱۰۳۸ تا ۱۱۹۴ م بر سر قدرت بودند.

سنت: رفتار تکرار شده و هنجاری که از الگوی پیامبر سرمنش گرفته شده است.

شافعیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های شافعی است.

فاطمیان: سلسله شیعه مذهب که از ۲۹۶-۵۶۶ ق/ ۹۰۹ تا ۱۱۷۱ م قدرت را در مصر و آفریقای شمالی در دست داشتند.

فقه: حقوق اسلامی

فلسفه: فلسفه ارسطویی اسلامی (از ریشه واژه یونانی «فیلسوفیا»)

کلام: الهیات اسلامی که بیشتر به مباحثه و مناظره می‌پردازد.

مالکیه: مذهب فقهی اهل سنت که مبتنی بر آموزه‌های مالک بن انس است.

مدرسه: نهاد آموزشی، «دانشگاه»، برای مثال مدرسه نظامیه.

مذهب: «مکتب» فقهی یا کلامی همچون مذهب حنبلی.

معتزلیه: مذهبی کلامی که مشخصه بارز آن عقل‌گرایی است.

سال شمار

۴۵۰ ق/ ۱۰۵۸ م: تولد در دهکده‌ای نزدیک توس در شمال شرق ایران.

۴۶۵-۴۶۶ ق/ ۱۰۷۲-۱۰۷۳ م: تحصیل در توس نزد امام زادگانی و در جرجان نزد امام

ابونصر اسماعیلی.

۴۷۰-۴۷۱ ق/ ۱۰۷۷-۱۰۷۸ م: بازگشت به توس و ادامه مطالعه برای سه سال دیگر.

سفر به نیشابور برای تحصیلات عالی نزد فقیه و متکلم جوینی، و استاد صوفی

فرملی.

۴۷۸-۴۷۹ ق/ ۱۰۸۵-۱۰۸۶ م: مرگ جوینی. جلب حمایت نظام الملک وزیر و

پیوستن به لشکرگاه ملکشاه سلجوقی، به عنوان فقیه و متکلم حرفه‌ای.

جمادی الاول ۴۸۴/ جولای ۱۰۹۱: استاد منصوب نظام الملک در مدرسه نظامیه بغداد.

۴۸۴-۴۸۸ ق/ ۱۰۹۱-۱۰۹۵ م: دوره آوازه حرفه‌ای در بغداد؛ شرکت در مراسم

سلطنتی خلیفه عباسی، مستظهر در ۴۸۷ ق/ ۱۰۹۴ م ترور نظام الملک در ۴ رمضان

۱۴/۴۸۵ اکتبر ۱۰۹۲؛ مرگ سلطان ملکشاه یک ماه بعد.

جمادی الثانی ۴۸۸ تا شوال ۴۸۸/ جولای تا نوامبر ۱۰۹۵: دوره بحران روحی که به کناره‌گیری

از مقام و ترک بغداد انجامید.

۴۸۸-۴۹۰ ق/ ۱۰۹۵-۱۰۹۷ م: دوره عزلت؛ نخست در دمشق برای دو سال و سپس

سفر به بیت المقدس و الخلیل؛ سفر حج؛ بازگشت به دمشق؛ در طول ۱۱ سال از

۴۸۸-۴۹۹ ق/ ۱۰۹۵-۱۰۹۶ م آثار مهمی در تصوف نگاشت که به خاطر آنها شهرت

او پانزجا ماند، به ویژه احیاء علوم الدین و به دنبال آن چندین نسخه از آن به

زبان‌های عربی و فارسی.

۴۹۰ ق/ ۱۰۹۷ م: بازگشت به عراق، اقامت کوتاه‌ای در بغداد و همدان.
 ۴۹۲-۴۹۹ ق/ ۱۰۹۹-۱۱۰۶ م: ارشاد و تدریس حلقه‌ای از شاگردان در توس.
 ذی‌قعدة ۴۹۹/ اگوست ۱۱۰۶: بازگشت به تدریس در نظامیه نیشابور در پی اصرار
 فخرالملک و وزیر تألیف زندگی‌نامه معنوی خود با عنوان المنفذ من الضلال.
 ۵۰۲-۵۰۳ ق/ ۱۱۰۹-۱۱۱۰ م: کناره‌گیری از تدریس عمومی و بازگشت به توس و
 فعالیت به عنوان مرشد معنوی طالبان صوفی.
 ۱۴ جمادی الثانی ۵۰۵/ اکتبر ۱۱۱۱: جان سپردن و به خاک سپرده شدن در توس.

مقدمه

در رجب ۴۷۸ ق/ جولای ۱۰۹۵ م متکلم پراوازه ابوحامد غزالی یک بحران روحی ناگهانی را تجربه کرد. توان خور و خواب را از دست داد؛ حتی جرعه‌ای آش برای او بسیار می‌نمود. با افزایش وخامت این بحران، او قدرت خطابه خویش را نیز از کف داد. غزالی فقط ۳۷ سال سن داشت، با این حال برای یک دهه به عنوان خطیبی محبوب در نظر نظامی نوپا که در پی تثبیت صورت نویسی از راست‌دینی بود، در مدرسه‌ای تازه تأسیس تدریس کرده بود. او بارها در دربار خلیفه عباسی و نیز سلطان سلجوقی به ایفای نقش پرداخته بود. بارها زیان‌آوری او به عنوان یک خطیب و نویسنده مورد تحسین قرار گرفته بود؛ حال، به یکباره قدرت کلام خود را از دست داده و به ناچار تدریس خود را متوقف ساخته بود. تشخیص طبیبانی که بریستر او حاضر شدند همسان نبود، با این حال آشکار شد که تشخیص همگی ایشان نادرست بوده است. این حالت وی شش ماه به درازا کشید. هر چند بیشترین آگاهی ما از این آزمون دشوار از طریق گزارش‌های خود اوست، دیگران نیز به تغییر حال وی اشاره کرده‌اند. یکی از طالبان علم که او را می‌شناخت بعدها نوشت: «دیدم که این مرد از جنون خلاصی یافته بود». او ده سال بعد هنگامی که به شرح این حال خود پرداخت اشاره می‌کند، علت این بحران که در جوانی او را آزرده ساخته بود، شک نبود بلکه چیزی ویرانگرتر بود؛ او به کشف حقیقت نائل آمده بود، اما نمی‌توانست مطابق آن عمل کند. حقیقت غزالی را به شدت زمین‌گیر ساخته بود.

این «حقیقت» چه بود؟ غزالی چگونه به آن رسید؟ این مهم را می‌توان در این

عبارت خلاصه کرد: «طریق تصوف»؛ با این حال چنین عبارتی آگاهی اندکی به ما می‌دهد. از نظر غزالی چنین حقیقتی را نمی‌توان از طریق روش‌های عقلانی، حتی اگر به دقت به کار گرفته شوند، به دست آورد، و نه می‌توان آن را در میان کتاب‌ها یافت. چنین حقیقتی - یا آنچه‌آن‌ها که بیان داشته «یقین» - نهایی می‌بایست به «ذوق» درآید تا شناخته شود. سخن بر سر یک حقیقت عقلانی نیست؛ به بیانی دیگر این امر به عنوان حقیقتی تجربه‌شده به طور کامل با واژه‌ها قابل بیان نیست، بلکه فقط از طریق عمل است که می‌توان آن را بیان کرد، البته منظور او عمل آگاهانه است.

در ادامه نشان خواهیم داد که غزالی از چه راهی به این نتیجه رسید. او در اواخر حیات خویش معنای مورد نظر خود را از حقیقت نهایی نه فقط با توسل به مفهوم عرفانی «ذوق» - در بخش پنجم شرح داده خواهد شد - بلکه با استفاده از قاعده علم و عمل خلاصه می‌کند. علم بدون عمل برای او پوچ بود؛ به همین ترتیب عمل بدون علم. هر دو باید حضور داشته باشند تا حقیقت آشکار شود. او در یکی از آثار عرفانی متأخر خود تا آنجا پیش رفت که به یکی از شاگردانش اندرز داد: «علم بی عمل دیوانگیست و عمل بی علم بیگانگی» (مکاتیب، ۱۶).

از آنجا که غزالی قریه‌ای ویژه برای بیان مفهوم‌های پیچیده در عبارات‌هایی ساده و واضح داشت - و از آنجا که او اغلب این عبارات‌ها را با حنی، به صورت غیر منتظره، شخصی به کار می‌برد - نوشته‌های او بی‌واسطگی فریبده‌ای داشت. او به طرز غیرتی «مدرن» به نظر می‌آید. این امر ممکن است توجیه‌گر آوازه ماندگار او، نه فقط در میان مسلمانان، باشد. چنین به نظر می‌رسد که او با خواننده خود مستقیماً سخن می‌گوید.

میان ما و غزالی و نیز روزگار او هزاره‌ای فاصله انداخته است. برای ورود به آن روزگار حتی با نگاهی گذرا، لازم است با حدودی با بستر تاریخی و فکری‌ای که در آن پرورش یافت آشنا شویم. کار او از برخی جهات غیر معمول بود. حتی گاه به بهای دادن هزینه‌هایی نیز در میان معاصرانش ایستادگی می‌کرد. برای درک بهتر اصالت متمایز و نیز سهم ماندگار او، می‌بایست به اختصار جنبه‌های خاصی از این هزاره، همراه با مذهب‌ها و عقیده‌های رایجی را که او با آنها درگیر بود، شرح دهیم.

زندگی غزالی را می‌توان به دو بخش پیش و پس از بحران رجب ۴۸۸/ جولای

۱. مکاتیب فارسی غزالی، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۳۳ ش، ص ۹۵.

۱۰۹۵ م تقسیم کرد. بدون تردید او از این مهم آگاه بود. در شمال/نوامبر این سال، آنگاه که سرانجام غزالی تصمیم به پیروی از طریق تصوف گرفت، انسانی دیگرگون شد. با این همه یک استمرار دورنی، انسجامی پنهان، در طول زندگانی او وجود داشت. مراحل فکری نخستین، همچون برخی از کتاب‌های متقدم او، در آثار و اعمال بعدی‌اش انعکاس و ماهرانه تغییر شکل یافته‌اند. دامنه‌ای از امور ثابت متفاوت و بیرونی، از رویدادهای سیاسی گرفته تا منازعات کلامی و فقهی و حتی پیشرفت‌های وی در تصوف، بر زندگی و اندیشه او تأثیر داشتند؛ هرچند عامل سوم چندان عیان نبود، اما به همان اندازه از اهمیت برخوردار بود. آرزوها و برنامه‌های سروران سلجوقی او، به ویژه طرح‌های نظام‌الملک پشتیبان نیرومند وی، بر او تأثیر ژرفی گذاشت و گرایش‌های «مذهب‌های» فقهی متعدد، نقش مهمی در زندگی او ایفا کرد. غزالی یک شافعی (در بخش دوم شرح داده خواهد شد) بود، اما بارها با حنفیان و حنبلیان و نیز نمایندگان عقاید رایج ارتباط برقرار کرد که اغلب آشکارا به مناقشه می‌انجامید. او در علم کلام (در بخش سوم شرح داده خواهد شد) از اشعریه دفاع می‌کرد و اغلب با حنفی ستیزه‌جویانه با معتزلیان، اسماعیلیان و دیگران برخورد می‌کرد؛ و آنچه‌آن‌ها که در بخش چهارم نشان خواهیم داد، پیروان فلسفه با مخالفت او روبه‌رو شدند. برای غزالی ملغمه نیرومندی از آموزه‌های ارسطویی با اندیشه نوافلاطونی - که این سبنا مهیب‌ترین نماینده آن بود - یک چالش و در عین حال یک فرصت بود. عواملی از این دست به شکل‌گیری جایگاه کمال‌یافته و صورت متمایز تصوف او (که در بخش ۵ و ۶ شرح داده خواهد شد) یاری رساندند.

بررسی زندگی و اندیشه غزالی، همچون دیگر اندیشمندان مسلمان این دوره، مستلزم برخورد با انبوهی از نام‌ها و اصطلاح‌های ناآشنا و اغلب گیج‌کننده است؛ آنچه‌آن‌ها که در میان عبارات پیشین پراکنده بودند. در اینجا آن دسته از این عبارات‌ها را که بیش از همه با زندگی و اندیشه غزالی در ارتباطند، به اختصار شرح خواهیم داد. امیدوارم که این روش، پیگیری مباحث جزئی‌تری بخش‌های بعدی را برای خوانندگان نه چندان متخصص آسان‌تر سازد.

سلجوقیان

دوره زندگی غزالی با ظهور و تثبیت سلسله سلجوقی همزمان بود، از این رو شناخت این